

تأسیس شد. این نهاد باید کاربرد کتاب‌های درسی را در مدارس تأیید کند و اگر معیار برابری جنس‌ها رعایت نشده باشد می‌تواند از ناشران خواهان انجام تغییراتی بشود. با این همه، نویسندگان بررسی مربوط به نروژ برای کارسازی هرچه بیشتر این نظام تأیید و اصلاح، تدبیرهایی را پیشنهاد کرده‌اند [12:104-105]: «تحکیم همکاری براساس معیارها و موازین آشکارا معین، از دیدگاه برابری جنس‌ها، میان مسئولان بررسی کتاب‌های درسی و شورای آموزش دبستانی و دوره اول دبیرستان و نیز شورای آموزش دوره دوم دبیرستان؛ سازماندهی مباحثات ادواری درباره مسائل اصولی در زمینه کاربرد قواعد تأیید آثار، از دیدگاه برابری جنس‌ها، میان مسئولان بررسی کتاب‌های درسی، کارشناسان رشته‌های مختلف، ناشران و نمایندگان سازمان‌های زنان؛ کمک به ناشران برای درک این نکته که آنان باید ضرورت برابری جنس‌ها را از همان آغاز گزینش متن‌ها و تدوین کتاب‌های درسی، در نظر گیرند.»

این نویسندگان همچنین خاطر نشان می‌کنند که «نظام تأیید آثار، ابزاری کارساز برای اصلاح محتوای کتاب‌های درسی است و باید با الهام از معیارهای برابری جنس‌ها به حفظ و تقویت این نظام پرداخت» [12:104].

وزیر آموزش و پرورش نروژ معتقد است که تأیید پیش از انتشار، با آزادی آفرینش نویسندگان و با آزادی آموزشی معلمان سازگار است.

اهمیت پژوهش‌ها

اگر بررسی و پژوهش درباره نقش زنان در تاریخ گذشته یا معاصر اطلاعات لازم را برای نوشتن کتاب‌های درسی تبعیض‌ستیز در اختیار

ناشران و نویسندگان این کتاب‌ها قرار ندهد، فعالیت میان آنان، در رشته‌هایی مانند تاریخ، با شکست روبه‌رو خواهد شد. به همین سبب نویسندگان تحقیق دربارهٔ نروژ توصیه می‌کنند که پژوهش دربارهٔ زنان هنرمند، دربارهٔ وضعیت زندگی و دستاوردهای آنان برای تاریخ ادبیات، موسیقی، هنر، فلسفه، اندیشه‌ها، جامعه‌شناسی، حکومت، انسان‌شناسی اجتماعی، حقوق و اقتصاد، گسترش یابد. بنابراین کافی نیست که فقط در میان ناشران و نویسندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به فعالیت پرداخت؛ هم‌زمان با آن باید ابزارهای پیشبرد تحقیقات دربارهٔ زنان در دانشگاه‌ها یا پژوهشگاه‌های بزرگ را در اختیار طرفداران حقوق و آزادی زنان قرار داد.

نویسندگان تحقیق مربوط به اوکراین [11] خواستار انجام پژوهش‌هایی هستند که هدفشان شناسایی علل بقای الگوهای کلیشه‌ای و کهنهٔ تاریخی و نیز شناخت شرایط ضروری برای خنثی‌سازی تأثیر این الگوها بر شکل‌گیری شخصیت کودکان است.

سرانجام، شورای اروپا [40] توصیه می‌کند که هرچه زودتر پژوهش‌هایی دربارهٔ فرایند دگرگونی در نگرش‌ها، رفتار و ساختارهای اجتماعی صورت گیرد.

بدین ترتیب بر اهمیت انجام پژوهش نه فقط در زمینهٔ تاریخ گذشته یا حال زنان بلکه دربارهٔ فرایندهای مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی، یا برعکس تسهیل این دگرگونی پافشاری شده است.

اقدامات لازم در میان شهرداری‌ها و اولیای شاگردان

بیشتر نویسندگان پژوهش‌های پیشگفته، بر ضرورت به هم پیوستن

اولیای شاگردان و مقامات صلاحیت‌دار محلی در پیکار با تبعیض جنسی در مدرسه تأکید می‌ورزند.

لیزدونینگان توصیه می‌کند که «پدران و مادران همراه با فرزندانشان، محتوای کتاب‌های درسی، کتاب‌های کودکان، برنامه‌های برگزیده آنان را بررسی کنند و دربارهٔ کلیشه‌هایی که ممکن است در آن‌ها یافت شود با فرزندانشان به بحث پردازند. آنان بهتر است با هم متحد شوند و گروه‌هایی تشکیل دهند تا بتوانند ایرادهای احتمالی خود را به گوش مدیران مدارس، ناشران و رسانه‌های گروهی برسانند» [2:184].

در «راهنمای ابونصر» آمده است که برای جلب توجه مربیان، اولیا، دانشجویان، مدیران، ناشران، نویسندگان، تصویرگران و به طور کلی عموم مردم به مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، باید اقدامات زیر را انجام داد: «ایجاد کمیته‌هایی با شرکت اشخاص آگاه به مسائل تبعیض جنسی برای یاری به گزینش کتاب‌های درسی؛ برگزاری سمینارهایی دربارهٔ کتاب‌های درسی و مطالب آموزشی برای معلمان، اولیا، ناشران، نویسندگان، تصویرگران، و برای تمام دیگر افراد، سمینارهایی که طی آن‌ها دربارهٔ تبعیض جنسی بحث خواهد شد؛ انتشار نتایج ارزیابی این سمینارها در میان پدیدآورندگان کتاب‌های درسی و استفاده کنندگان از آن‌ها، [...] دادن رهنمودهایی به اولیا و معلمان در زمینهٔ چگونگی کاهش تأثیر مطالب آموزشی آلوده به پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز بر کودکان» [1:57-58].

نویسندگان پژوهش مربوط به پرو معتقدند که باید توجه اولیا را به تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی جلب کرد و گردهمایی‌هایی برای آنان برگزار کرد.

فعالیت‌های لازم، همان‌گونه که از تجربه‌های فرانسویان و آمریکاییان برمی‌آید، ممکن است از نهادهای رسمی یا ابتکارهای خصوصی سرچشمه گیرد.

در فرانسه شهرداری‌ها مسئولیت‌هایی در زمینه آموزش و پرورش برعهده دارند، زیرا که باید هر سال، بخشی از بودجه شهرداری را صرف خرید کتاب‌های درسی برای مدارس کنند. در نتیجه، این شهرداری‌ها می‌توانند بر محتوای این کتاب‌های درسی تا حدی نظارت داشته باشند. در این میان اگر بخواهیم که شهرداری‌ها در زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی شرکت ورزند باید توجهشان را به این مسئله جلب کرد. برای دستیابی به همین هدف است که «انجمن آموزش و پرورش تبعیض ستیز» در سطح محلی، سمینارها و گردهمایی‌ها و نمایشگاه‌هایی را با شرکت اعضای شورای شهرداری که مسئول آموزش و پرورش در منطقه هستند، طرفداران حقوق و آزادی زنان و نیز نمایندگان اولیای دانش‌آموزان، اتحادیه‌ها و معلمان برگزار کرده است. وزارت حقوق زنان با ایجاد کمیسیون‌های پیکار با تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی از فعالیت‌های این انجمن پشتیبانی کرده است. وظیفه این کمیسیون‌ها که گاهی استانی و گاهی شهری هستند، بازخوانی کتاب‌های درسی و دادن پیشنهادهایی به شهرداری‌هاست که برای خرید کتاب‌های درسی بودجه‌ای در اختیار دارند. هدف این پیشنهادها آن است که شهرداری‌ها کتاب‌های تبعیض ستیز را برگزینند. علاوه بر این، وزارت حقوق زنان چندین «قرارداد ضد تبعیض جنسی» با شهرداری‌های فرانسه بسته است که در آن‌ها پیش‌بینی شده که یک کمیسیون شهری به بررسی محتوای کتاب‌های درسی می‌پردازد تا تبعیض جنسی را در آن‌ها آشکار و

برطرف سازد [44].

فعالیت در میان اولیای شاگردان نیز یکی از اهداف «انجمن آموزش و پرورش تبعیض ستیز» است. در واقع هرچند اولیا کتاب‌های درسی فرزندان‌شان را نمی‌خرند - آن‌ها رایگان هستند - در چارچوب انجمن‌های اولیای شاگردان از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. در طرح پیشنهادی حزب سوسیالیست که در ژوئن ۱۹۸۰ ارائه شد، با هدف بهره‌مندی اولیای دانش‌آموزان از حق بررسی محتوای کتاب‌های درسی بود که در ماده ۱ این حق به اولیای دانش‌آموزان داده شده است: «می‌توان به ابتکار مدیر یا یکی از اعضای انجمن اولیا، این انجمن را به نظر دادن درباره کتاب‌های درسی رایج در مدارس فراخواند. انجمن در صورت مشاهده برخورد تبعیض آمیز به گروه‌ها، براساس نژاد، جنسیت یا عقاید سیاسی، اجتماعی یا دینی آن‌ها، در کتاب‌های درسی، می‌تواند کاربرد این کتاب‌ها را منع کند. پانزده روز پیش از جلسه تصمیم‌گیری، مدیر مدرسه کتاب‌های مورد نظر را برای مشورت‌خواهی در اختیار اولیا و معلمان قرار می‌دهد که خواستار بررسی آن‌ها هستند. به تقاضای آنان یک جلسه مشورتی نیز ممکن است برگزار شود.»

هرچند این طرح قانونی در مجلس به بحث گزارده نشد، وزیر آموزش و پرورش بخشنامه‌ای را برای مدیران مدارس فرستاد که در آن توصیه شده است که مدیران به تبلیغ اندیشه‌های مربوط به برابری جنس‌ها در میان اولیای دانش‌آموزان، اهمیت بسیاری بدهند.

روی سخن برنامه «زایش آزاده» برای آگاهسازی و تشویق پیکار با مهم‌ترین کلیشه‌های تبعیض جنسی در مدارس و در کتاب‌های درسی، با معلمان و اولیای دانش‌آموزان است. به همین سبب اولیا به همان

جلسه‌های آموزشی (که در فصل پیش بدان اشاره شد) دعوت شده‌اند که معلمان فرزندان آنان نیز در آن‌ها حضور دارند. نقطه شروع این برنامه، رفتارهای آموزشی و تربیتی اولیا با فرزندانشان است: بی‌توجهی به آگاه ساختن فرزندان از قوانین مساوات جویانه و نیز از حقوق کودکان؛ اعتماد بیش از حد آنان به مدرسه، در عوض به پرسش کشیدن رفتار و کردارهای خاص خود؛ عادت آنان به ملاقات فردی با معلمان، در عوض جمع شدن با دیگر اولیا در انجمن‌های اولیا و آموزگاران در چارچوب ساختارهای جدید. بنابراین هدف اجلاس‌هایی که اولیا به آن‌ها دعوت می‌شوند باید این باشد که در موارد زیر به آنان یاری رساند: به دست آوردن درک و آگاهی ژرف‌تر از تبعیض جنسی در مدرسه و در جامعه و کسب توانایی برای کمک به فرایند دگرگونی اندیشه‌ها و عادات تبعیض آمیز؛ آگاهی‌یابی از پیام‌هایی که فرزندانشان در مدرسه، در کتاب‌های درسی، در روابطشان با معلمان، در اطلاعات از مشاغل مختلف و در قوانین مدرسه دریافت می‌کنند. آگاه شدن به این که تقسیم کار در مدرسه ممکن است ناقل کلیشه‌های تبعیض آمیز باشد؛ گسترش نظام‌های جدید تقسیم نقش‌ها و تعیین نقش‌هایی که اجتناب از کلیشه‌های جنسی را در وظایف خانگی، ممکن می‌سازند؛ پافشاری بر این که مدرسه فقط و فقط کتاب‌های درسی و مطالب آموزشی تبعیض‌ستیز را به کار برد.

برنامه «زایش آزاد» بر این فرضیه استوار است که تلاش در راه آگاهسازی و آموزش اولیا برای شناسایی و طرد تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، از کسب آگاهی آنان از رفتار تبعیض آمیز خودشان با فرزندانشان جدایی‌ناپذیر است. همین کار از معلمان نیز خواسته شده است. اصل پایه‌ای این روش آن است که اگر نخستین اشخاصی که

کودکان دختر و پسر با آنان رابطه دارند - اولیا و معلمان - با رفتار و برخوردهای خود کودکان را در قفس نقش‌های سنتی که بر مبنای جنس تعیین شده‌اند، محبوس سازند، زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی به هیچ وجه آزادی دختران و پسران را تأمین نمی‌سازد و امکان شکوفایی همه جانبه استعدادهای آنان را (باگزینش نقش‌های متنوع و غیر کلیشه‌ای) فراهم نمی‌آورد.

اقدامات لازم در رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها

فعالیت لازم برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی باید با فعالیت در رسانه‌های گروهی همراه باشد^۱. نویسندگان بسیاری بر اهمیت این فعالیت در کشورهای در حال توسعه تأکید ورزیده‌اند. از جمله، ساروجینی بیزاریا [5] معتقد است که رسانه‌ها در آموزش بی‌سوادان و نوسوادان، نقشی تعیین‌کننده دارند. در واقع اگر ابزارهای دیداری - شنیداری ناقل پیام‌های تبعیض‌آمیز باشند، کارهای انجام شده در مورد کتاب‌ها و برنامه‌های درسی به سرعت بی‌نتیجه می‌شود. بنابراین باید تمام فعالیت‌ها برای زدودن تبعیض جنسی از برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، کتاب‌های کودکان و رسانه‌ها را همزمان به پیش برد. رسانه‌های تبعیض‌ستیز می‌توانند نوعی خرده نظام آموزشی باشند و در پرتو استفاده از اسلایدها، فیلم‌های آموزشی، نوارهای کاست و مانند آن‌ها به غنای آموزش یاری رسانند.

در اسپانیا نیز به گفته نماینده وزارت آموزش و پرورش در مجمع

۱. منظور از «رسانه‌های گروهی» پیام‌هایی است که رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، داستان‌های مصور، نوارها و مانند آن‌ها عرضه می‌کنند.

هونفوس درباره تبعیض جنسی در مدرسه: «نه معلمان، نه مدرسه، نه شاگردان، جزیره‌ای در جامعه نیستند و جامعه نیز انباشته از کلیشه‌هاست. این واقعیت در تلویزیون، در تبلیغات و دیگر رسانه‌ها که هر روزه به روشنی بین نقش‌های زنانه و مردانه فرق می‌گذارند، بازتاب می‌یابد. در تمام رسانه‌ها مردان در نقش‌های فعال رهبری و پر مسئولیت ترسیم می‌شوند، اما زنان نقش‌های منفعل، فرعی و زیر دست دارند [...] زنان مصرف‌کننده و سبک‌سر و سطحی و بی‌دفاع و وابسته هستند - یک شیء جنسی.» [45:100].

در بررسی مربوط به اوکراین نیز بر ضرورت تأثیرگذاری همزمان بر رسانه‌های گروهی و عموم مردم و نیز خانواده‌ها و آموزگاران تأکید شده است: «گروه پژوهشی اوکراینی معتقد است که می‌توان تجربه اجتماعی - آموزشی سازنده‌ای را درباره مسئله تبعیض جنسی (در گروه‌های سنی مختلف) سازماندهی کرد، تجربه‌ای که امکان تدوین رهنمودهایی را برای مدارس، خانواده‌ها، رسانه‌ها و عموم مردم، در زمینه راه‌های پیکار با کلیشه‌های منفی فراهم می‌آورد.» [11:37].

بررسی مربوط به چین، بسیج سازمان‌های زنان و کمیته‌های دفاع از کودکان را پیشنهاد می‌کند، «با این هدف که هر یک از این سازمان‌ها، در عرصه خاص خود توجه افکار عمومی را جلب کند و به جست و جوی ابزارهای تشویق همه جانبه برابری میان زنان و مردان در مجموع جامعه برآید، از اهمیت این اقدام برای اصلاح محیط اجتماعی، هموار سازی راه پیشرفت هماهنگ نسل نو و کمک مستقیم به ۳۰۰ میلیون کودک، و از رهگذر آنان به تمامی جامعه، آگاهی بیابد» [10:66].

در پژوهش مربوط به پرو [21] نیز بر ضرورت برخورد به تبعیضات

جنسی در وسایل ارتباطی به طور کلی و شناساندن تحقیقات مربوط به این موضوع، همزمان با معرفی راه‌حل‌های لازم، تأکید شده است. و سرانجام در برنامه‌های افزایش آزاده‌آمده است که اگرچه طی سال‌های ۷۰، فعالیت علیه تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی عمدتاً معلمان و اولیای شاگردان را دربر می‌گرفت، پیکار با تبعیض جنسی امروزه به ویژه در پرتو فعالیت‌های نهادهای کشوری و سازمان‌های جمعی، عموم مردم را دربر می‌گیرد. این تحولی مشترک در ایالات متحده آمریکا و جوامع اروپایی است [35]: «دفتر زنان اداره کار» در ایالات متحده آمریکا و در کانادا، «انجمن آمریکایی زنان دانشگاهی»، «اتحادیه دختران»، «اتحادیه مربیان زن» و دیگر سازمان‌ها برای آگاه ساختن مردم از محدودیت‌های پیشرفت زنان در پی نابرابری‌های جنسی، به اقدامات فراگیر ملی دست زده‌اند، نهادهای مختلف سیاست‌های جدیدی برای ایجاد دگرگونی تدوین کرده‌اند، مانند برنامه‌های فعالیت مثبت (در نروژ، ایالات متحده آمریکا، کانادا) و فعالیت‌های مبتنی بر برابری امکانات دو جنس... بین گروه‌های مختلف - مانند مراکز زنان، بخش‌های ویژه اتحادیه‌های معلمان، سازمان‌های دینی فعال در راه برابری میان مردان و زنان در کلیسا - ملاقات‌هایی صورت گرفته که انجام اقداماتی را برای کاهش تبعیض جنسی و کلیشه‌های تبعیض آمیز در تلویزیون و نیز در کتاب‌های درسی، تصویرهای کتاب‌ها، اسباب‌بازی‌ها و رسانه‌ها ممکن ساخته‌اند.

در فرانسه، زنان روزنامه‌نگار توجه عموم مردم را به تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی جلب کرده‌اند. انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز معتقد است که تأثیرگذاری بر مطبوعات بسیار مهم است، زیرا که مطبوعات یکی از بهترین راه‌ها برای دستیابی به معلمان و آگاه ساختن

آنان از مسئله تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی است. دیگر مجامع نیز مانند سازمان حقوق بشر، اتحادیه زنان فرانسوی، اتحادیه اولیای دانش‌آموزان، اتحادیه‌های معلمان یا کارگران، مجامع زنانه یا خانوادگی در میان اعضای خود به فعالیت پرداخته‌اند تا توجه آنان را به تبعیض جنسی جلب کنند.

اقدامات لازم در میان کارفرمایان

فعالیت در میان کارفرمایان در زمینه پیکار با تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ممکن است رهنمودی بسیار عجیب جلوه کند. با این همه یکی از دلایل این که دختران غالباً تمایلی به شغل‌های غیرسستی ندارند و اولیا و مربیان نیز گزینش دیگری را تشویق نمی‌کنند، آن است که کارفرمایان چندان علاقه‌ای به استخدام زنان در حرفه‌های غیرسستی ندارند و این بی‌علاقگی مبتنی است بر کلیشه‌های تبعیض آمیزی که آنان همراه با تمام دیگر افراد جامعه آن‌ها را پذیرفته‌اند. تا هر زمان که کارفرمایان برخوردی تبعیض آمیز داشته باشند، تصویر حرفه‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان نیز به افراد هر دو جنس تحمیل خواهد شد، اعم از این که آنان آموزگار، دانش‌آموز، پدر یا مادر شاگردان، عضو شهرداری یا یک انجمن، ناشر، نویسنده یا کارگر بالقوه باشند. در واقع فقدان زنان در تمام حرفه‌های به اصطلاح مردانه و فقدان مردان در حرفه‌های موسوم به زنانه، کلیشه‌های تبعیض آمیز را در تمام اذهان، حتی در ذهن نویسندگان و ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تقویت می‌کند. بدین ترتیب سدهایی که کارفرمایان در برابر تعویض‌پذیری مشاغل میان دو جنس قرار می‌دهند، متقابلاً به تقویت

کلیشه‌های تبعیض آمیز می‌انجامد. بنابراین فعالیت در میان کارفرمایان نیز اهمیت دارد، زیرا یکی از هدف‌های ما آن است که هر فردی بتواند مستقل از جنس خود، توانایی‌هایش را در عرصه کار شکوفا سازد. از سوئد معمولاً به عنوان کشور نمونه برای اجرای برنامه‌های فعالیت‌های مثبت در راه درهم شکستن این تثبیت نقش‌های مردانه و زنانه در مشاغل کلیشه‌ای یاد می‌کنند. کمیته رهنمود برای برابری میان زنان و مردان در دفتر نخست‌وزیری، طرح سه اصلاح را پیشنهاد کرده که به تصویب دولت رسیده است: «صد کارمند متخصص در مشکلات زنان برای پیدا کردن کار، در دفترهای محلی اداره کاریابی به کار می‌پردازند؛ کارفرمایانی که زنان یا مردان را برای مشاغل غیرستنی آموزش دهند و استخدام کنند، می‌توانند خواستار کمک مالی موسوم به «سوبسید برای برابری» بشوند؛ مؤسساتی که خواستار بهره‌مندی از کمک دولت برای توسعه منطقه‌ای (تعیین جای تازه برای کارخانه و مانند آن) هستند باید زنان و مردان را همزمان استخدام کنند. دست کم ۴۰٪ از مشاغلی را که مؤسسه تازه ایجاد کرده است باید به طور مساوی به زنان و مردان اختصاص یابد.» [40:21].

در فرانسه، سازمان دولتی کارهای زنان چندین مرکز آموزشی نمونه [47] و مختص زنان را ایجاد کرده است که در آن‌ها زنان برای حرفه‌های موسوم به غیرزنانه مانند ذوب فلزات و جوشکاری آموزش می‌بینند و طی ماه‌های آموزش نیز معادل دستمزد حداقل کارگران، حقوق می‌گیرند. سپس وزیر حقوق زنان تعداد دوره‌های کارآموزی نمونه را که زنان را برای بسیاری از حرفه‌های غیرستنی (باغبانی، کامپیوتر، دفترداری، جوشکاری، تعمیرکار اتومبیل و برق و مانند آن‌ها) آموزش

می‌دهند، تا صد دوره افزایش داده است. در این دوره‌ها که بین ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشند، معادل مزد حداقل، حقوق داده می‌شود و تمام زنانی که آن‌ها را گذرانده‌اند، در تخصص جدید خود کاری پیدا کرده‌اند. برنامه‌های فعالیت‌های مثبت، همراه با تشویق مالی، همانند برنامه‌های پیشگفته نشان می‌دهند که درهم شکستن منطق مستی که آموزش و اجرای حرفه‌های به اصطلاح مناسب را به جنس افراد نسبت می‌دهد، امکان‌پذیر است.

ارزیابی تأثیر اقدامات بر ضد تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی

از مطالب پیش آشکار می‌شود که کشورهای مختلفی که به بررسی این مسئله پرداخته‌اند، تا چه حد از ضرورت این امر آگاهند که باید به بسیاری از دیگر عوامل اجتماعی - غیر از کارکنان آموزشی و ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان - در زمینه ستیز با تبعیض جنسی، آموزش و آگاهی بدهند. اما هرچند گفته‌ها و مقاصد، آشکار و مشخص است، در گزارش‌های بسیار اندکی، اطلاعات دقیق درباره نتایج اعمال انجام شده آمده است.

در مورد کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، باید پذیرفت که آرمان‌های برابری جنس‌ها که در قانون اساسی آن‌ها آمده به ارزش بخشی به زنان در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی انجامیده است.

در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند، در پی اقدامات انجام شده، نتایج مثبتی به دست آمده است. از جمله در چندین پژوهش درباره

ایالات متحده آمریکا خاطر نشان شده که در پرتو فعالیت اولیا و آموزگاران که ناشران را به زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی متقاعد کرده‌اند، نتایج مثبتی به دست آمده است. ناشرانی مانند مک‌گرو-هیل و سازمان‌های ملی مانند «شورای ملی معلمان انگلیسی» معیارهای خاصی برای برخورد برابر به دو جنس تدوین کرده‌اند. دگرگونی‌هایی که در تحقیق کپنر و کوهن [48] به آن‌ها اشاره شده است، تعادل بهتری را میان تعداد زنان و مردان در داستان‌ها و نیز در میان قهرمانان زن و مرد دربر می‌گیرد.

علاوه بر این، مادران در نقش‌های فعال‌تر ترسیم شده‌اند و پدرانی نیز هستند که به آشپزی می‌پردازند. به‌طور کلی زبان تبعیض آمیز کنار گذاشته شده و زبانی با تبعیض آلودگی کمتر و فراگیری بیشتر جایگزین آن گشته است. برای در نظر گرفتن منافع و اهمیت دختران و زنان، در مثال‌های کتاب‌های علوم و ریاضیات بازبینی شده است. اجرای برنامهٔ «زایش آزاد» به دست نهادهای مربوط، با نتایج مثبتی همراه بوده است: در واقع پژوهش‌های انجام شده به روشنی نشان داده‌اند که مطالب آموزشی که به پیکار با تبعیض جنسی اختصاص یافته‌اند به آموزگاران یاری رسانده‌اند تا در فعالیت‌های خود به نفع برابری جنس‌ها، کارآیی بیشتری به دست آورند. ارزیابی‌های پی‌در پی تأثیر جلسه‌های آموزشی برای اولیا و مربیان نیز نشان داده که دگرگونی‌های چندی، بی‌درنگ یا در عرض یک سال روی داده‌اند.

اما به مقاومت‌های عناصر محافظه‌کارتر در جامعهٔ آمریکایی نیز اشاره شده است: «فرایند زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی عمدتاً بدان سبب کند بوده است که طرح راهنماهایی برای نگارش کتاب‌های درسی

تبعیض ستیز بایستی تدوین و اجرا شود و نیز بدان سبب که نوعی فرایند قطب‌بندی ایجاد شد که در جریان آن مردان و زنان محافظه‌کاری که با تهدید دگرگونی‌های پیشنهادی روبه‌رو شده بودند، دربارهٔ پیام‌های جدید نقش‌های مردان و زنان که در نظر آنان، تحمیلی و آشفته و نامطلوب بود، به اعتراض برخاستند.» [30:119].

در دیگر ارزیابی‌هایی که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته، نشان داده شده که تأثیر تصویرها و متن‌های تبعیض‌ستیز بر نگرش و رفتار کودکان در مواردی تضعیف و در مواردی دیگر تقویت شده است. به نظر سافیلیوس - روچلید [30:121-122]، حتی وقتی که برخورد پدران و مادران از فعالیت تبعیض‌ستیز در مدرسه میان دانش‌آموزان پشتیبانی نمی‌کند، صرف معرفی متن‌ها یا تصویرهای تبعیض‌ستیز به دانش‌آموزان تأثیراتی فوری در پی دارد. اما هنگامی که کودکان در مدرسه با الگوهای تبعیض‌ستیز رو به رو می‌شوند، از آن‌جا که هیچ مدرسه‌ای وجود ندارد که کتاب‌های درسیش به کلی عاری از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باشد، الگوهای تبعیض‌ستیز تقویت نمی‌شوند. وانگهی، تبعیض‌ستیزی بسیاری از کتاب‌های درسی به تقسیم برابر اشخاص مذکر و مؤنث خلاصه می‌شود. این نتایج را باید با ملاحظات خلاصه شده زیر در راهنمای هانسن [35] تکمیل کرد: «می‌توان به بچه‌ها در مهد کودک یاد داد که سرگرمی‌های تبعیض‌ستیز داشته باشند. رفتارهای مربوط به نقش‌های جنس‌ها را در کودکان در هر سنی به دشواری می‌توان تغییر داد. آنان در مورد خودشان تبعیض‌آمیز برخورد نمی‌کنند بلکه در مورد همبازی‌های همجنس خود تمایلات تبعیض‌آمیز دارند. در مورد همبازی‌های جنس مخالف این تمایلات بسیار بیشتر است. دختران می‌کوشند شیوه‌های

زندگی بیافرینند که خانه و شغل را به هم پیوند دهد. پسران به تحقیر یا سرکوب ارزش‌های تبعیض‌ستیز گرایش دارند. نقش اختصاص یافته به پسرها را بچه‌ها استوارتر از نقش اختصاص یافته به دختران و زنان می‌دانند. نقش دختران و زنان در نظر آنان سست‌تر از نقش پسران و مردان جلوه می‌کند. اقدام ضعیف برضد تبعیض جنسی خطرناک است یا ممکن است خطرناک باشد، اما موضع‌گیری محکم و استوار می‌تواند تأثیری بسیار سودمند داشته باشد».

سرانجام یکی از راهبردها باید آن باشد که کلیشه‌های سنتی مردانه را در کتاب‌های درسی، بسیار بیش از آنچه اکنون عملی می‌شود، تغییر داد، زیرا آن‌ها پسران را وادار می‌دارند که خود را جنس برتر بشمارند.

نویسندگان پژوهش مربوط به نروژ [12] معتقدند که نظام تأیید آثار که در وزارت کلیسا و آموزش و پرورش در مورد کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان رایج است باید کارسازتر شود، زیرا هنوز در این آثار، متن‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز بسیاری وجود دارد.

در فرانسه، «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» معتقد است که نتایج اندکی در مورد کتاب‌های درسی به دست آمده است. عده‌ای این نارسایی را به بودجه‌های ناچیزی که شهرداری‌ها به خرید کتاب‌های درسی دوره دبستان اختصاص داده‌اند، نسبت می‌دهند. با این همه نمایندگی منطقه لیل دو - فرانس در امور زنان موفقیت‌هایی به دست آورده است [49].

فهرست اقداماتی که تاکنون در راه زدودن تبعیض جنسی میان ناشران و نویسندگان کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، پدران و مادران، شهرداری‌ها، رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها و کارفرمایان

انجام شده، تشخیص انواع گوناگون راهبردها را برای رسیدن به هدف مورد نظر امکان پذیر می‌سازد. جلسه‌های آموزشی، دوره‌های آموزشی، سمینارها، اجلاس‌ها، سخنرانی‌های روزنامه‌نگاران در رادیو، مقاله‌های مطبوعات، برنامه‌های تلویزیونی ممکن است پویایی فعالیت جمعی در بیرون از نظام آموزشی را برانگیزند و مرحله نخست این کار، جلب توجه افکار عمومی است. اما همچنین باید که عوامل پیشبرد این فعالیت جمعی در وهله اول از وجود تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و نیز از پیامدهای زیانبار این پدیده برای پیشرفت کودکان آگاهی یابند.

اشاره به این تبدیل علت و معلول در فعالیت بر ضد تبعیض جنسی در حکم گفتن آن است که تعیین دقیق ارجحیت میان کسانی که باید هدف آگاهسازی باشند، بیهوده است. فعالیت‌های لازم باید مجموعه پیکر جامعه را دربرگیرند، درست مثل جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان که نخستین افرادی بودند که به وجود تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان آگاهی یافتند و به همه نوع تلاش میان عوامل نظام درسی یا افراد بیرون از این نظام دست زدند. برای تقویت هرچه بیشتر عدالت و برابری میان جنس‌ها هیچ اقدامی را نباید تحقیر کرد. همچنین می‌توان اندیشید که فعالیت در راه پیشگیری از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، آسان‌تر و کارسازتر از فعالیت برای از میان برداشتن پیامدهای زیانبار تبعیض جنسی در نگرش‌ها و اعمال کودکان، اولیا، آموزگاران و تمامی جامعه است. پیشگیری از نظر انسانی و مالی همیشه کم هزینه‌تر از درمان است. از این دیدگاه باید یادآوری کرد که یونسکو تاکنون با انتشار پژوهشی که به درخواست

خود این سازمان درباره تبعیض جنسی در معرفی زنان در رسانه‌ها صورت گرفته [9] توجه همگان را به خطر این پیام‌های تبعیض آمیز جلب کرده است. در واقع اگر در متن‌ها و تصویرهای رسانه‌ها از تبعیض جنسی پیشگیری نشود، آیا می‌توان پیشگیری از آن را در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تصور کرد؟

نتیجه گیری

در پژوهش‌هایی که به درخواست یونسکو صورت گرفته و مبنای این اثر بوده‌اند، نشان داده شده که در تمام کشورها و به درجات متفاوت، کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی وجود دارد. نویسندگان این پژوهش‌ها ضرورت شروع یا دنبال کردن اقدامی پیگیر را برای زدودن کلیشه‌های تبعیض آمیز خاطر نشان کرده‌اند، کلیشه‌هایی که به دلیل تأثیر منفی بر کودکان دو جنس، اوضاعی نابرابر برای شکوفایی آنان در محیط خانوادگی، اجتماعی و شغلی ایجاد می‌کنند. در چشم‌انداز همین اقدام پیگیر است که وزیران آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان اعلام کرده‌اند که خواستار آنند تا یک راهنمای تحلیل برای شناسایی کلیشه‌های تبعیض آمیز، و راهنمایی برای یاری به نویسندگان و تصویرگران و ناشران در آفرینش آثار تبعیض ستیز در اختیار داشته باشند. راهنمای اولی برای شناسایی، و در نتیجه افشای کلیشه‌های تبعیض آمیز، در عین تشویق نوعی کسب آگاهی جمعی؛ راهنمای دومی برای تشویق آفرینش آثار تبعیض ستیز و در عین حال، گسترش روحیه برابری و احترام متقابل میان زنان و مردان. کتاب حاضر با نقل برخی از تجربه‌های بسیار مفیدی که تاکنون انجام گرفته‌اند و با عرضه مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که می‌توانند به حل مسئله پيشداوری‌های تبعیض آمیز یاری برسانند، تلاش کرده است که پاسخگوی این خواست باشد.

هرچند تمام عاملان درگیر در این تلاش خود را به شرکت در پیکار با کلیشه‌های تبعیض آمیز موظف می‌دانند، باید تنوع نظام‌های حکومتی را در نظر داشت. در نتیجه با وجودی که هدف اصلی در همه جا یکسان

است، اقدام لازم در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد و در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، متفاوت خواهد بود. در کشورهای نوع اول، بخش خصوصی نقشی بسیار مهم در تهیه و تولید کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی دارد و در کشورهای نوع دوم، تصمیم‌گیری در این زمینه را نهادهای حاکم انجام می‌دهند و بنگاه‌های انتشاراتی زیر نظارت دولت قرار دارند.

در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد، بر فعالیت‌های آموزشی، توضیحی و اقناعی در میان عوامل اجتماعی مختلف (اولیا، آموزگاران، نویسندگان، تصویرگران، ناشران و دیگران) پافشاری می‌شود. همان‌گونه که در برنامه «زایش آزاد» خاطر نشان شده است، باید هر فردی آگاهی یابد که خود می‌تواند عاملی برای دگرگونی باشد. در وهله نخست او باید دریابد که خودش می‌تواند، چه بسا ناخودآگاهانه، با رفتار خویش تمام انواع پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز را منتقل سازد. در نتیجه هر فردی پیش از متقاعد کردن دیگران به ضرورت محو کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، باید در وهله نخست کنار گذاشتن پیشداوری‌ها و اعمال تبعیض‌آمیز را از خودش آغاز کند و سپس به تقویت ارزش‌ها و شیوه‌های عمل جدید و نوآورانه در محیط‌های خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای بپردازد. همچنین به نظر ما باید از جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان که در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد به صورت یک نیروی جدید سیاسی نمودار می‌شوند که قادر به دگرگونی قاطع ساختار اجتماعی هستند، پشتیبانی کرد. مقامات دولتی نیز می‌توانند شرکتی فعال در این دگرگونی داشته باشند و برای زدودن تمام مقررات تبعیض‌آمیز استوار برجنس و نیز برای تشویق فعالیت‌های اثباتی به نفع برابری، به تجدیدنظر در قوانین بپردازند.

در کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ریزی شده، اگر دولت بخواهد به حل مسئلهٔ پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز پردازد، می‌تواند مستقیماً وارد عمل شود، زیرا که بنگاه‌های انتشاراتی و مراکز پخش و فروش کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی را در اختیار خود دارد. البته پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفته، اما هنوز بقایای فراوانی از گذشته باقی مانده است. به همین سبب بررسی‌های مربوط به چین و اوکراین نشان می‌دهند که مقامات ملی این کشورها اهمیت بسیاری به پیشگیری می‌دهند و رهنمودهایی را برای نویسندگان و تصویرگران و ناشران تهیه می‌کنند.

در نهایت بهتر آن است که فعالیت‌های برنامه‌ریزی شدهٔ مقامات دولتی با ابتکارات متعدد خصوصی و نامتمرکز، افراد یا انجمن‌های گوناگون، همزیستی داشته باشند. در این صورت مشخص می‌شود که مجموعهٔ پیگر اجتماعی به مشکل تبعیض جنسی توجه دارد و برای رفع آن تلاش می‌کند. به عنوان مثال در نروژ، فعالیت پیگر و کارساز طرفداران حقوق و آزادی زنان که از سال ۱۹۷۰ شروع شده با نظام تأییدی که حکومت نروژ ایجاد کرده است همزیستی دارد. این نظام، اشخاص صاحب‌نظر برگزیدهٔ وزارت کلیسا و آموزش و پرورش را مجاز می‌سازد که از تأیید کاربرد کتاب‌های درسی تبعیض‌آمیز خودداری ورزند. این اشخاص می‌توانند از نویسندگان این کتاب‌ها بخواهند که متن‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز را پیش از پخش این کتاب‌ها در مدارس حذف کنند. این نظام نه با «آزادی آفرینش» نویسندگان کتاب‌های درسی ناسازگار محسوب شده است و نه با «آزادی آموزشی» معلمان. بنابراین جامعهٔ سیاسی و جامعهٔ مدنی باید به هدف مشترک حفظ «حقوق انسان‌ها» که دفاع از حیثیت دختران و زنان بخش جدایی‌ناپذیر آن است،

یاری برسانند. اگر این آزادی‌ها فقط به صورت قدرت سلطه‌گران در تداوم سلطه خود بر سلطه‌پذیران در نظر گرفته شود، دفاع از آن‌ها ناممکن خواهد بود.

در واقع تقریباً در تمام جوامع معاصر، هنوز مردان قدرت و سلطه خود را بر زنان - اگر نه همچنان در خانواده - دست کم در اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ اعمال می‌کنند. همچنین نشان داده شده است که هرچند طی نخستین مرحله، پیشداوری‌ها پیامد سلطه یک گروه انسانی بر گروهی دیگر هستند و توجیه آن را ممکن می‌سازند، در مقابل، طی دومین مرحله، پیشداوری‌ها با تحکیم اعمال تبعیض آمیز و وضعیت‌های سلطه‌گرانه به حفظ و بازتولید آن‌ها می‌پردازند. در نتیجه می‌توان گفت که وقتی جنس مسلط به آزادی تولید و پخش نوشته‌ها و تصویرهای تبعیض آمیز توسل می‌جوید، آگاهانه یا ناآگاهانه بازتولید وضعیتی را پی می‌گیرد که برتری او را بر جنس دیگر تأمین می‌کند.

در عرصه پیشداوری‌های نژادی، دولت‌هایی که خواستار محو این پیشداوری‌ها بوده‌اند، حضور آن‌ها را در متن‌ها و تصویرها ممنوع ساخته‌اند. چرا در عرصه پیشداوری‌های جنسی نیز به همین اقدام دست زده نشود؟ اگر در جوامعی که نابودی تبعیض نژادی را دنبال می‌کنند، ممنوعیت پیشداوری‌های تبعیض نژادی در نوشته‌ها و تصویرها با آزادی بیان نویسندگان سازگار محسوب شده است، چرا نباید در جوامعی که به اعطای حیثیت برابر به دو جنس و به حذف فرودستی و سلطه‌پذیری دختران و زنان متقاعد شده‌اند نیز ممنوعیت پیشداوری‌های تبعیض جنسی در متن‌ها و تصویرها با آزادی بیان نویسندگان سازگار محسوب شود؟ بنابراین باید اشخاصی که در جامعه سیاسی یا جامعه مدنی بیشترین آگاهی

را از پیامدهای منفی تبعیض جنسی دارند، در این باره به ژرفاندیشی پردازند و بیانیه‌های خود را به نفع برابری جنس‌ها با تدابیر شایسته برای دستیابی به اهداف ضد تبعیض جنسی همراه سازند. کارساز بودن این تدابیر در گرو آن است که تنوع گسترده فرهنگ‌ها و نهادها و جوامع در نظر گرفته شود.

تاختن به حفظ این کلیشه‌ها در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، نه فقط برای کودکان، بلکه برای بزرگسالانی که این کتاب‌ها را می‌نویسند، منتشر می‌سازند یا به کار می‌برند نیز ارزشی آموزشی و تربیتی دارد. اما در وهله اول جامعه باید توجهی خاص به کودکان - بزرگسالان فردا - ابراز کند. در واقع، تماس با معلمان مدارس از نخستین تماس‌های کودکان با جهان بزرگسالان است و تصویرها و متن‌های کتاب‌های کودکان یا کتاب‌های درسی نیز در ردیف نخستین برداشت‌های آنان از جهان فرهنگ است. در پی تأثیرپذیری گسترده کودکان از پیام‌های محیط پیرامونی، اگر پیام‌هایی که برای کودکان در نظر گرفته شده‌اند، انباشته از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باشند، آنان نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌ستیز را بسط نخواهند داد. در مقابل، تجربه‌های پیشگفته نشان می‌دهند که پرورش ضد تبعیض جنسی کودکان در مدرسه کارساز است. زدودن تبعیض جنسی از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان برای ریشه‌کنی کامل آن در ذهن و رفتار و اعمال کودکان مسلماً کافی نیست، اما این کار از نخستین وظایف ضروری است که تمام عاملان نظام آموزشی، نمی‌توانند از انجامش شانه خالی کنند، البته اگر هدفشان بنای جامعه‌ای باشد که در آن حیثیت دختران و زنان و برابری آنان با پسران و مردان، حفظ گردد و جزیی از ارزش‌های کودکان بشود.

پیوست ۱

مجموعه بررسی‌های ملی درباره سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان.

گزینه‌های پژوهشی ممکن^۱

پیشگفتار

طرح مسئله

در بیشتر پیام‌هایی که از رهگذر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به دانش‌آموزان و دانشجویان و کودکان منتقل می‌شود، دگرگونی‌های پراهمیتی که طی دهه‌های اخیر در زندگی زنان روی داده، نادیده گرفته می‌شود. در واقع با وجودی که زنان متعلق به محیط‌های

۱. گروه تحقیقاتی موظف نیست که رهنمودهای این سند یونسکو (ED-81/WS/72) را دنبال کند و می‌تواند روش‌های دیگری را که مناسب‌تر می‌داند، برگزیند.

فرهنگی و اجتماعی با سنت‌های مختلف نشان داده‌اند که قادرند در عرصه‌هایی که به طور سنتی مختص مردان بوده است، نقش فعال ایفا کنند و ارتقای مقام بیابند، در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این دگرگونی‌ها اصلاً، یا دست کم به طور کامل بازتاب نیافته است.

نقش مردان نیز دگرگون شده است، زیرا آنان بیش از پیش عهده‌دار وظایفی می‌شوند که به طور سنتی به زنان اختصاص داشته، یا مشاغل زنانه را انجام می‌دهند، اما در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این جهش‌ها اصلاً، یا به اندازه کافی روشن نمی‌شود.

بعضی از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان همچنان حامل پیام‌های غالباً نادرست و پوسیده‌اند. در آن‌ها از دگرگونی‌های واقعی نشانی نیست. این آثار در تقویت و استحکام چنین دگرگونی‌هایی نقشی فعال یا درجه اول ندارند و با اوضاع جدید سازگار نیستند. هدف دهه ملل متحد برای زنان، تقویت مسائل زیر است: برابری میان مردان و زنان؛ شرکت زنان در تلاش‌های توسعه؛ مشارکت زنان در تحکیم صلح.

به همین سبب ضرورت عاجل دارد که تصویرهای کلیشه‌ای جنس‌ها از مطالب آموزشی محو گردد و طوری عمل شود که آموزش درسی به تقویت برخوردارهای مثبت و مساعد برای برابری جنس‌ها بپردازد. کنفرانس جهانی دهه ملل متحد برای زنان (کپنهاگ، ژوئیه ۱۹۸۰) با تأکید مجدد بر این نکته مصرانه خواستار شده که «حکومت‌ها تمام تدبیرهای لازم را برای محو کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسی در مطالب آموزشی، در پیش گیرند».

دگرگونی‌های ضروری فقط هنگامی روی خواهند داد که مسئولان

تهیه، نگارش، تصویرگری، انتشار^۱ و تفسیر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به تأثیر زیانبار تداوم نقش‌ها و تصویرهای کلیشه‌های انتسابی به هر جنس، متقاعد شده باشند.

اهداف

مجموعه پژوهش‌های کنونی بخشی از یک برنامه دراز مدت است که یونسکو در سال ۱۹۶۷ با هدف تأمین برابری امکانات دختران و زنان در زمینه آموزش و پرورش در پیش گرفته است. گروه‌های مسئول انجام پژوهش‌ها به بررسی کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی دبستانی و دوره اول دبیرستان در کشور خود می‌پردازند و اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

بررسی نحوه ترسیم مردان و زنان.
شناسایی تصویرهای نادرستی که از زنان و مردان در این کتاب‌ها عرضه شده و نقش‌های کلیشه‌ای که به آنان نسبت داده شده است.
معرفی ابزارها و برنامه‌ها و راهبردهایی برای زدودن این‌گونه تصویرها و کلیشه‌ها و تقویت برابری میان جنس‌ها.
گزارشی که در پی این پژوهش‌ها تدوین می‌شود، باید از قابلیت بخش گسترده برخوردار باشد و هدف آن عبارت است از: افزایش شناخت درباره این موضوع، تشویق به در پیش گرفتن تدابیر ضروری برای پیکار با تبعیض جنسی^۲ و تقویت برخوردهای مثبتی که به برابری میان جنس‌ها

۱. ناشرانی مانند فرنان ناتان در فرانسه و مک گرو-هیل در ایالات متحده آمریکا رهنمودهایی برای نویسندگان و تصویرگران تهیه کرده‌اند تا آنان از تصویرها و نقش‌های کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز دوری گزینند.

۲. برای اهداف پژوهشی، کاربرد تعریف زیر از مارلین فرای از دانشگاه دولتی

باری می‌رسانند.

آثار مورد بررسی

متن‌های مورد بررسی عبارتند از آثاری که برای کودکان تا سن ۱۰ یا ۱۲ سالگی اختصاص یافته‌اند و نیز کتاب‌های درسی رایج در هر کشور (به عنوان مثال کتاب‌های قرائت زبان، تاریخ، تعلیمات مدنی، علوم اجتماعی و مانند آن‌ها).

اما با توجه به تفاوت‌های موجود در هر کشور، هر گروه پژوهشی برای تصمیم‌گیری در مورد ماهیت کتاب‌های درسی که برای تحقیق برمی‌گزینند (به عنوان مثال: کتاب قرائت زبان، تاریخ، جغرافیا، علوم، ریاضیات و مانند آن‌ها) و نیز تعداد این کتاب‌ها در دوره دبستان و دوره اول دبیرستان از آزادی عمل برخوردار است. گروه پژوهشی می‌تواند در گزینش خود از جمله موارد زیر را در نظر گیرد:

اهمیت و دامنه ممتاز اثر (یعنی کتاب‌های درسی یا کودکان که در تمام کشور یا در بیشتر مدارس کاربرد دارند)؛

کتاب‌های مربوط به موضوعاتی که نقش مهم در برنامه درسی یا کاربرد زمان تحصیلی دارند؛

کتاب‌هایی که بر نگرش‌ها و رفتارهای کودکان و نوجوانان تأثیری محسوس دارند.

دلایل گزینش باید در گزارشی که هر گروه پژوهشی به یونسکو تحویل می‌دهد، ذکر شود.

میشیگان توصیه شده است: «تبعیض جنسی اصطلاحی است برای توصیف هر چیزی که به تمایز ناروا میان جنس‌ها می‌پردازد، یا این تمایز را تقویت می‌کند و یا به بهره‌کشی از آن می‌پردازد.»

روش‌شناسی

توصیه شده است که گروه پژوهشی ملی دست کم از تعداد مساوی مردان و زنان پژوهشگر یا نویسنده، منتقد کتاب، مختصص در زمینه آموزش و پرورش، روان‌شناسی، تصویرگری کتاب، جامعه‌شناسی، مطالعات درباره زنان، رشته‌گرنی حرفه‌ای و درسی و... تشکیل شود. گروه پژوهشی مسئولیت تنظیم برنامه پژوهش و تقویم مراحل مختلف پیشبرد آن را بر عهده دارد. گروه می‌تواند به جمع‌های کاری محدودتر تقسیم شود و جلسات این جمع‌ها و یا در صورت لزوم جلسات کل گروه را برگزار کند.

جمع‌آوری مطالب

گروه پژوهشی بر مبنای معیارهای برگزیده خود به گردآوری مطالب مورد نظر می‌پردازد، آن‌ها را بر اساس سئال تحقیق، و در دل این زمان‌بندی بر مبنای موضوع مورد بحث، تقسیم و طبقه‌بندی می‌کند.

تحلیل مطالب گردآوری شده^۱

گروه پژوهشی پس از تعیین معیارها و چارچوب تحلیل مطالب گردآوری شده، می‌تواند به بررسی ویژه مسائل اساسی زیر پردازد:

الفای محتوایی

واژگان، گزاره‌ها، صفت‌ها یا اشارهای تبعیض‌آمیز در متن یا تصویرها (به عنوان مثال: این دختر مثل پسرها می‌دود و جست و خیز می‌کند؛ آن

پسر مثل دخترها ضعیف و ناتوان است، و مانند آنها).

کلیشه‌ها

کلیشه‌ها عبارتند از عناصری که مشوق پیشداوری هستند و تمام تنوع برخوردارها و تمایلات فردی مردان و زنان را در نظر نمی‌گیرند و یا حامل این اندیشه هستند که تمام مردان یا تقریباً همه آنان، یا تمام زنان از بسیاری جهات همانندند، حال آن که واقعیت امر چیز دیگری است. به عنوان مثال می‌توان کلیشه‌ها را به دسته‌های متفاوتی تقسیم کرد:

نقش‌های مختلف در درون خانواده و مدرسه: پدران تکیه‌گاه خانواده و زنان، خدمتکار خانه هستند؛ پسران دوست دارند فوتبال بازی کنند و دخترها دوستدار طناب‌بازی هستند؛ بیشتر آموزگاران دبستان، زن و مدیران مدارس، مرد هستند؛ پسران درس‌های فنی را ترجیح می‌دهند و دختران علوم اجتماعی را.

خصوصیات شخصیتی: پسران و مردان به طور کلی آفریننده و تصمیم‌گیر و اهل عمل معرفی می‌شوند. اما دختران و زنان، موجوداتی منفعل و وابسته و نظاره‌گر جلوه می‌کنند.

نقش‌های اجتماعی و سیاسی: زنان به فعالیت‌هایی می‌پردازند که جنبه اجتماعی دارند، اما مردان در سطح محلی از مسئولیت برخوردارند یا رهبر سیاسی هستند.

نقش حرفه‌ای^۱: زنان منشی یا پرستار، اما مردان کارفرما یا پزشک هستند.

۱. رجوع شود به جدول شماره ۲ (صفحه ۱۲۱) که فهرستی مختصر از کلیشه‌های رایج ارائه می‌دهد.

کلیشه‌های دیگر.

نمایش نامناسب

در حال حاضر کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تصویری غلط یا ناقص از دختران و زنان ارائه می‌دهند. حضور کلیشه‌های تبعیض آمیز با این پدیده بی‌ارتباط نیست.

تدوین ضابطه تحلیل کلیشه‌های مذکر و مؤنث

گروه پژوهشی باید به تدوین یک یا چند ضابطه تحلیل بپردازد. این تحلیل‌ها مبنای نتیجه‌گیری‌ها، ملاحظات، و تفسیرهای مربوط به هر اثر مورد بررسی خواهند بود. در جدول شماره ۱ نمونه‌ای از چنین ضابطه‌هایی ارائه شده است.

بررسی نتایج تحلیل

گروه پژوهشی نتایج کارهای خود را در جلسات تمام اعضای گروه یا در جریان جلسات جمع‌های کاری بررسی می‌کند و معلوم می‌سازد که آیا پژوهش‌های تکمیلی^۱ برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات بیشتر ضروری هستند یا نه.

مشورت با مقامات حکومتی، ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها.

گروه پژوهشی در پرتو نتایج و دستاوردهای تحقیق، همراه با مقامات

۱. گروه پژوهشی می‌تواند با پرسشنامه و مصاحبه، نظر دانشجویان و استادان را درباره پژوهش خود گردآوری کند. رجوع شود به جدول شماره ۳ (صفحه ۱۲۴).

حکومتی، ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها به تعیین راهبردها، تدابیر و اقدامات ممکن می‌پردازد تا کلیشه‌های تبعیض آمیز را از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان محو کند و تصویرهای مثبت زنان را در آن‌ها وارد سازد و برخورد‌های مناسب برای برابری میان جنس‌ها را تقویت کند. این راهبردها و تدبیرها ممکن است به صورت‌های زیر در آیند:

اقدامات آگاهی‌بخش و حمایتی، مانند ایجاد یک کمیسیون (یا استفاده از یکی از کمیسیون‌های صلاحیت‌دار موجود) برای بررسی هر آنچه به کلیشه‌های تبعیض آمیز مربوط است، پیش از اجازه انتشار به کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی؛
اقدامات از رهگذر آموزش؛
همکاری با نویسندگان، ناشران، اتحادیه‌های معلمان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها.